



نمادشناسی تطبیقی نقش و مفهوم عقرب در تمدن‌های باستانی ایران و مصر: جانور موزی یا الوهی

نهضت سادات صفاری^{۱*}، هاشم حسینی^۲

^۱ کارشناس ارشد پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

^۲ دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲، پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

چکیده

آثار باستانی تمدن‌های گذشته و نقوش متنوع آن‌ها حامل اندیشه، ارزش‌های فرهنگی، باورها و کهن‌الگوهای باشند. بنابراین بررسی آثار برجای‌مانده راهی برای شناخت کارکرد رمزها، نمادها و اسطوره‌ها در عهد باستان است. این نمادها و نقوش که تراویده ذهن آدمی برای نشان دادن نیروهای ماورائی است، در طول تاریخ باهم در آمیخته‌اند و با وجود تمام گوناگونی‌ها، نوعی هم‌خوانی و نزدیکی در بن‌مایه‌ها و موتیف‌های اصلی مشاهده می‌شود که بررسی تطبیقی این روایات را ممکن می‌سازد. برخی از این نقش‌مایه‌ها شامل نمادهای حیوانی یا موجودات ترکیبی انسان حیوان می‌باشند. عقرب به‌عنوان یکی از این نقوش قدیمی در گذشته منشاء افسانه‌ها بوده و با ویژگی‌هایی چون موزیگری، شرارت و درد؛ نماد مرگ، جنگ و گاهی نگهبان بوده است. در پژوهش پیش‌رو با مطالعه تطبیقی به نمادشناسی عقرب در تمدن‌های باستانی ایران و مصر به‌عنوان دو نمونه از کهن‌ترین تمدن‌های شناخته‌شده جهان پرداخته می‌شود. روش پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای-اسنادی است. پرسش کلیدی تحقیق عبارت از اینست که در نمادشناسی تطبیقی کهن‌الگوی عقرب چه وجوه اشتراکی بین تمدن‌های باستانی ایران و مصر مشهود است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که استفاده از نقش‌مایه عقرب بر روی آثار و نقش‌برجسته‌ها به علت رفع شر و جلب حمایت این موجود در تمدن‌های باستانی ایران و مصر مورد توجه بوده و در تمدن باستانی مصر نیز به‌عنوان یک الهه حمایتگر مورد پرستش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

تمدن‌های باستانی، اساطیر ایران، اساطیر مصر، نماد عقرب، موزیگری.

استناد: صفاری، نهضت سادات؛ حسینی، هاشم (۱۴۰۲)، نمادشناسی تطبیقی نقش و مفهوم عقرب در تمدن‌های باستانی ایران و مصر: جانور موزی یا الوهی،

رهپویه هنرهای تجسمی، ۶(۴)، ۵-۱۵. DOI: <https://doi.org/10.22034/ra.2023.2003836.1354>

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۰۵۱-۴۳۳۰۵۲۳۴، E-mail: saffari.nehzat33@gmail.com



مقدمه

مثال پروفسور یوسف مجیدزاده در کتاب جیرفت، کهن‌ترین تمدن شرقی منتشر شده در سال ۱۳۸۳ به نقش مایه عقرب-انسان در هنر جیرفت پرداخته، همچنین به مفهوم اساطیری این نقوش اشاره کرده است. همچنین در کتاب *هنر ایران باستان* نوشته ادیت پرادا ۱۳۸۶ به بررسی و واکاوی نقوش و فرم‌های هنری تمدن‌های مختلف فلات ایران پرداخته شده است. یکی از نقوشی که نویسنده در کتاب مذکور به آن اشاره کرده نقش مایه عقرب انسان باقیمانده از یک مهر استوانه‌ای شکل از شهر شوش است که هم‌اکنون در موزه لوور پاریس قرار دارد. در کتاب *جانوران ترکیبی* ۱۳۸۸ که توسط ابوالقاسم دادور و مهتاب مبینی نوشته شده به معرفی نقش‌های جانوران ترکیبی از تمدن عیلام تا آثار پارتیان و ساسانیان پرداخته شده است. همچنین در «نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در هنر ایران و سرزمین‌های همجوار» نوشته صدرالدین طاهری که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده به صورت اجمالی به مطالعه نمادهای حیوانی و گیاهی پرداخته شده است. در مقاله‌ای که توسط سارا صادقی‌نیا و نجیبه رحمانی با عنوان «آیکونوگرافی نماد عقرب در آثار تمدن جیرفت»، صورت پذیرفته نماد عقرب را در آثار و سفالینه‌های تمدن جیرفت مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد. این مقاله در مجله *مطالعات ایرانی* در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. آنچه از مطالعه منابع موجود برمی‌آید این است که مطالعات انجام گرفته در رابطه با نمادشناسی عقرب به صورت موردی بوده و کم‌تر پژوهشی مستقیماً در رابطه با بحث مورد نظر این مقاله یعنی نمادشناسی تطبیقی عقرب در تمدن‌های باستانی ایران و مصر پرداخته است. در این مقاله سعی بر آن شده است تا با یافتن ارتباطات بین‌تمدنی میزان تطبیق نقش مایه عقرب در این دو تمدن مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری پژوهش

۱. نماد

نماد یا نشانه تصویری عینی و بصری است که جانشین عنصری غایب می‌شود و با جایگزینی و همنشینی آن به درک مفاهیم معنا بخشیده می‌شود. علاوه بر این نمادگرایی یکی از مؤثرترین و با نفوذترین روش‌های انتقال معنا و مفهوم است. همچنین مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف نمادشناسی کشف معانی و مفاهیم زبان‌ها، رموز و نشانه‌ها می‌باشد. با استفاده از نشانه‌شناسی، می‌توان مفاهیم و روابط کهن‌الگوها و نمادها را باز شناخت و چگونگی تبدیل تفکرات و امور ذهنی به عناصر و پدیده‌های عینی را دریافت. بر همین اساس در تبیین نماد می‌توان عنوان کرد که تصویر و نمایشی از کهن‌الگوهاست و آن چیزی که به‌طور کلی موجب تفاوت یک کهن‌الگو از نماد ساده می‌شود، در یک نگاه نداشتن ابهام است (ستاری، ۱۳۸۰: ۲). هنرمند در بعضی اوقات با اغراق در برخی از ویژگی‌های طبیعی و خاص، و در موارد دیگر با ساده کردن فرم، نمادی را می‌آفریند. چنانچه نماد عنصر تخیلی است که در اکثر موارد پس از کهن‌الگو و پیش از اسطوره قرار می‌گیرد. در واقع هنگامی که نماد دارای روایت و معنا شد، به اسطوره تبدیل می‌شود. چنانچه پیرس در تعریف نشانه‌شناسی^۱ نشانه‌ها آن‌ها را پیوند میان ذهن آدمی و جهان خارج می‌داند، (آلستون،

بشر از ابتدای حیاتش بر روی زمین اشکال و تصاویر گوناگونی که هر کدام رمز و راز مخصوص خود را داشته‌اند خلق کرده است. در واقع استفاده از نماد احتمالاً اولین تلاش انسان برای توصیف موقعیت خویش در جهان هستی بوده است. نقش مایه‌های هنری متنوع نشانگر باورها، اعتقادات قومی مذهبی و پاره‌ای واقع‌نمایی‌ها هستند. آدمی همواره به این اعتقاد و باور بوده که برخی از موجودات برگزیده و دارای قدرتی ماورائی پرورنده شدند و در اثر همین پرورندگی، سرشت نیک یا بد آن حیوانات، در زندگی مادی پرورش‌دهندگان آنها، ظهور و بروز کرده است. عقرب نیز یکی از موجوداتی است که از نظر او دارای چنین قدرتی بوده است. این جانور به دلیل نقش و جایگاه ویژه‌اش در زندگی انسان باستان مورد توجه ملت‌های کهن قرار گرفت و بر همین اساس اسطوره‌ها و باورهای گوناگونی پیرامون موجودیت آن پدید آمد؛ تاحدی که بعضی از این نقوش به مثابه مظه‌ری از خدایان یا در مقام یک نقش یا تصویر همواره اهمیت داشته و مورد توجه بوده است. ضرورت این تحقیق از آن جهت است که با توجه به اهمیت تمدن‌های ایران و مصر چه در موجودیت تاریخی آن به‌عنوان دو مورد از کهن‌ترین تمدن‌های شناخته شده و چه در وجه زیبایی‌شناختی آثار بدست آمده لازم است تا نقوش این آثار از نظر نمادشناسی عقرب مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد تا جنبه‌های ارزشی و محتوایی و فرهنگی آن نشان داده شوند. در طول تاریخ اسطوره‌ها و نقش مایه‌ها چنان در هم می‌آمیزند که گویی از یک سرچشمه سیراب شده‌اند. در این تحقیق این فرضیه مطرح است که نقش مایه عقرب در دو تمدن باستانی ایران و مصر به‌عنوان نمادی برخاسته از اعتقادات، باورها و شرایط محیطی خلق این آثار ناشی شده و همچنین تکرار این نقش مایه بر روی ظروف و استفاده آن به صورت تک‌پیکره در ابعاد بزرگ و در بعضی موارد در تلفیق با انسان به جنبه اسطوره‌ای این موجود تأکید کرده و اشاره بر این نکته لازم است که این نقش مایه بیش از آنکه مفهومی اساطیری و ادبی داشته باشد مفهومی ماورائی دارد و با آئین‌های مذهبی و باورهای مرتبط با جهان پس از مرگ مردم روزگار خود در هر دو تمدن باستانی ایران و مصر در ارتباط بوده است.

روش پژوهش

این پژوهش ماهیت توسعه‌ای دارد که از روش توصیفی، تحلیلی با رویکرد تطبیقی استفاده شده و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای- اسنادی صورت گرفته است. حوزه مورد بحث در این تحقیق، تمدن‌های باستانی ایران و مصر و آثار باستانی مکشوف با نقش مایه عقرب مورد نظر است. جامعه آماری در این تحقیق آثار باستانی ایران و مصر که دارای نماد عقرب هستند می‌باشد، که در نهایت سیزده نمونه اثر از آثار مناطق مختلف تمدن ایران باستان و پنج نمونه از آثار تمدن مصر باستان انتخاب شد و مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

در برخی از کتاب‌ها و تحقیقات انجام شده حیوانات نمادین و اسطوره‌های باستانی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. به‌عنوان



۸۲). در برخی از مناطق تصاویر عقرب اغلب برای محافظت در برابر گزیدگی با افراد حمل می‌گردد. بعد از آن تعدادی انسان عقرب‌نما برای حمایت از قرص خورشید در هنر بین‌النهرین تجسم یافت. همچنین در تمدن مصر باستان، الهه سلکت با تاجی از دم عقرب در حالت حمله نشان داده و از نگهبانان جهان زیرین است (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۹). همچنین در بین‌النهرین، دروازه عقرب با نگهبانی که چهره انسان و دو بال به علامت نیایش، بدنش در انتها به دم عقرب ختم می‌گردد (همان: ۱۲۲). در جیرفت کرمان نیز نمونه‌های فراوانی از ترکیب انسان با عقرب به‌دست آمده‌است که در حالت نمادین و اسطوره‌ای بودن آن تردیدی وجود ندارد. بر این اساس می‌توان گفت با توجه به اینکه عقرب موجودی گزنده و رعب‌آور است، و همچنین دلیل مرگ‌آفرینی در حیطه علم انسان باستان نبوده، بنابراین نقش عمده‌ای در آثار کشف‌شده در مناطق مختلف باستانی داشته‌است و در واقع نمونه عقرب-انسان از مصادیق نمادین و اسطوره‌ای با نقش محافظتی است. همچنین تصویری وجود داشت که عقرب موجودی زیانکار با قدرت جادویی است که می‌تواند از خود و موجودات زنده دیگر محافظت کند. در تصویرپردازی عقرب همواره همچون دیگر سنت‌های تصویری از عناصر و نقوش حیوانی به مهم‌ترین و معرفت‌ترین اجزاء جسمانی آن پرداخته شده‌است؛ به عبارتی یک حیوان در زمان تصویرپردازی به عناصر و جوهری از آن توجه بیشتری می‌شود که بیشترین قدرت و نیرو و یا خطر از جانب آن قسمت ایجاد می‌شود. از این رو در تصویرپردازی عقرب در هنر جیرفت نیز بر بدن تکه مانند و دم و نیز بازوها به مثابه اعضای دارای قدرت و نیروهای واردکننده و خطرآفرین و رعب‌آور تأکید بیشتری شده‌است. همچنین در نقوش ترکیبی با انسان نیز با توجه و دقت به برخی شباهت‌های موجود در آناتومی عقرب و انسان همانند بدن، بازوها و سر باعث شده‌است تا این همسانی در پردازش ترکیب مؤثر واقع شود. ترکیب دست‌ها و حالت فیزیکی آنها یکی از مهم‌ترین عناصری است که در جان‌بخشی یا آنیمیسیم موجود دخیل بوده‌است.

۳. عقرب در آثار باستانی ایران

نقش و کهن‌الگوی عقرب انسان در ایران باستان برای نخستین بار با آثار مکشوف از کاوش‌های شوش در خوزستان معرفی شده، که بر روی یک مهر استوانه‌ای گلی از دوره ایلام کهن، حدود ۲۵۰۰ ق.م. در صحنه‌ای با آیین مذهبی، یک عقرب انسان همراه با الهه گان و ایزدان دیده می‌شود (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۲). هرچند که در این تمدن‌ها از مهرهای استوانه‌ای در بنگاههای تجاری برای مهرموم کردن کالاهای تجاری صادراتی استفاده می‌شد (ماتیوز، ۱۳۹۱: فصل ۲-۴). با این وجود ترکیب‌بندی نقش‌ها بر روی این مهر استوانه‌ای کاملاً مذهبی و آئینی می‌نماید. پس از کاوش‌های منطقه باستانی جیرفت کرمان در اوایل دهه ۱۳۸۰ ه.ش. کهن‌الگوی عقرب-انسان به دو حالت عقرب-مرد و عقرب-زن دارای شاخی بر سر و به شکل آویز تزئینی و یا بر روی ظروفی از جنس سنگ صابونی گزارش شده که البته قدمشان از کشفیات مشابه یافته‌شده از شوش بیش‌تر و قدیمی‌تر معرفی و به اوایل

۱۳۸۱: ۱۳۷) که در نهایت به پدیده‌ها و عناصر بصری، ملموس و جانشین یک پدیده غایب مبدل می‌شوند. سوسور نیز مبحث محور جانشینی و همنشینی را عنوان می‌کند که عناصر و نشانه‌هایی که قبلاً موجود بوده‌اند، ترکیب‌شده و یا جانشین می‌شوند. مصداق این مسئله را در نقش‌مایه‌های انسان-حیوان می‌توان دید. بدیهی است که نمادسازی، تصویرکردن موجودی ترکیبی از انسان با بخش‌های مهم و اصلی از بدن حیوانات می‌باشد به هدف اینکه جاندار فراتر و والاتر از انسان و حیوان خلق شود با این فرض که در این تصاویر قدرت تفکر از طرف نیروی انسانی بوده و قدرت و نیروی جسمانی از طرف حیوان می‌باشد. بنابراین بررسی و کنکاش نمونه‌های نمادین، کهن‌الگویی و اسطوره‌ای راهی برای شناسایی کارکرد سمبل‌ها، نمادها و نشانه‌ها در دنیای باستان است. همچنین انسان با گرایش و تمایلی که به نمادآفرینی و نشانه‌سازی دارد، ناخودآگاه فرم‌ها را تغییر داده تا ظاهری با رنگ دینی یا مذهبی با مفهوم و هویت هنری یابند (یونگ، ۱۳۷۸: ۳۵۲). در فرآیند مهاجرت نمادها میان تمدن‌ها، برای پذیرش لزومی بر انتقال تمام معانی و مفاهیم اسطوره‌ای مرتبط با هر نماد نیست (Goblet, 1894: 140). بسیاری از نمادها و سمبل‌ها در جایگاه جدید خود میان باورها، اندیشه و اعتقادات کهن مردمان تمدن‌ها حل‌شده و کارکرد فرمی و مفهومی تازه و نو می‌یابند، بعضی نیز همزمان با مهاجرت در کنار فرم، کهن‌الگوها، انگاره‌ها و محتوا را با خود منتقل می‌کنند. در ارتباط با نمونه‌های باستانی که منابع تکمیلی به ندرت در دسترس می‌باشند بهره‌گیری از نوعی نمادشناسی تطبیقی مؤثر و مفید واقع می‌شود. نمادشناسی تطبیقی از نظر مکانی و زمانی به یک جغرافیا و گستره و تمدن زمانی خاص محدود نمی‌شود؛ بلکه نمادشناسی تطبیقی حاصل تمام فرهنگ‌هایی است که فرهنگ و تمدن مورد نظر با آنها در ارتباط بوده‌است و مواردی را از آنها وام گرفته یا مفهوم‌هایی را به آنها انتقال داده‌است. اکنون به بررسی تطبیقی نماد و کهن‌الگوی عقرب در تمدن‌های ایران و مصر باستان می‌پردازیم که تا حدودی از نظر مفهومی و کارکردی مشابه یکدیگرند.

۲. نماد عقرب

عقرب یا به اصطلاح کزدم دارای نیشی با زهر فلج‌کننده یا کشنده است که اکثر مواقع در مناطقی خشک و دارای آب و هوای گرم موجود است. عقرب گزنده‌ای حساس، محافظ و وفادار به سمت عزیزان خود است و به علت نوع قرار گرفتن دم خمیده در انتها و چنگال‌ها در جلوی بدن موجب ترس و وحشت انسان بوده‌است. اهل جنگ، خشم، عمل و فعالیت است معمولاً نماد مقاومت، سختی، مرگ و نیز نماد پویایی و نبرد است. و همچنین در وجه منفی با نیروهای منفی و اهریمنی چون خونریزی، انتقام و جنگ مرتبط است. ایده این نقش‌مایه از یک نقش‌مایه ساده و طبیعت‌گرایانه عقرب در عصر مس-سنگی به یک نقش‌مایه ترکیبی و افسانه‌ای عقرب انسان در دوران بعدی تبدیل شده‌است. در قسمتی از جهان باستان نگهبان پرستشگاه‌ها و خدایان مقیم در آن پرستشگاه‌ها به‌شمار می‌آمد. زمانی که نگهبانان قصرها بودند شاخ، بالها و پاهای چنگال‌دار و دم خمیده برایشان ترسیم می‌شد (هال، ۱۳۸۰:



حیوانی (حیوانات اهلی و وحشی)، گیاهی، انسانی و ترکیبی می‌باشد که به غنای محتوایی و زیبایی‌شناختی این آثار اضافه می‌کند. اهمیت نقوش جیرفت به ویژه نقوش حیوانی که با گستردگی و ظرافت بیشتری در آثار دیده می‌شود؛ این است که سازندگان برخی از آنها سعی کرده‌اند محیط طبیعی‌شان را به تصویر بکشند آنها با ترسیم جانوران بر روی انواع سنگ‌ها علاوه بر نمایش مهارت و هنرمندی، هدف‌های دیگری را نیز دنبال می‌کردند. مجیدزاده معتقد است که کشیدن یک نقش در دوران باستان می‌تواند معانی مختلفی داشته‌باشد مثلاً می‌تواند به معنی جادو و طلسم، ترس از حیوان یا نیاز انسان به آن حیوان باشد یا اینکه آن حیوان در یکی از قصه‌ها و اساطیر مهم در آن تمدن وجود داشته‌است؛ به‌عنوان نمونه مضمون عقرب که بر دیگر تمثال‌های ظروف جیرفت برتری دارد، ممکن است به دلیل محیط طبیعی بیابانی باشد. این نقش که یکی از پرکاربردترین نقوش است، در میان اشکال مختلفی تصویرپردازی شده‌است، به‌عنوان مثال شکل ساده آن به صورت منفرد (تصویر ۲) و یا ترکیبی با نقوش انسانی است (تصویر ۳). همچنین انسان عقرب‌ها به صورت پیکرک نیز ساخته شده‌اند که از جمله محدودترین عناصر حیوانی است که به‌صورت سه‌بعدی به تصویر درآمده‌اند. در بعضی بنمایه‌ها عقرب، با ظرافت بسیاری کار شده، به‌طوری‌که پاها به صورت ظریف و چهارتایی تصویر شده‌اند، مشابه بال هستند و هنرمند با دقت به جزئیات پرداخته و دم حیوان را با شش برش نمایش داده‌است.

یکی از نقش‌مایه‌های جالب دیگر در ظروف سنگی جیرفت عقرب انسان می‌باشد که در فرم پیکره‌هایی با تنه و سر انسان و دم عقرب ساخته شده و حالتی رعب‌آور با بازوان و سینه‌ای توانمند و درشت دارد، حالت پویایی و تحرکت را القاء می‌کند. این نمونه‌ها با سبکی واقع‌گرایانه پاها را به صورت چهارتایی بسیار نازک در دو طرف نمایش داده و حالتی از بال را القاء می‌کند و در سطح بدن شیاریهایی با شکل‌های منظم دیده می‌شود. ژان پرو معتقد است در این موارد قدرتی والا تر از نیروی انسانی دیده می‌شود که به صورت انسان حیوان‌نما جلوه داده شده؛ در این اسطوره، انسان قدرت و توان موجوداتی را که معرف آن‌ها است را در اختیار دارد (پرو، ۱۳۸۶: ۷۰). به‌طور کلی در نقش‌مایه‌های عقرب انسان با تأکید بر دم حالتی تهدیدآمیز القاء شده‌است.

کاسه‌های استوانه‌ای از جنس سنگ صابون، که بر روی بدنه این ظروف، حکاکی‌هایی از طرح عقرب وجود دارد. قدمت این ظروف به

عصر مفرغ بازمی‌گردد. علاوه بر این در آئین و مذهب زرتشت کژدمها جزو کارگزاران و خدمت‌گزاران اهریمن، فرمانروای تاریکی و بدی به شمار می‌آمدند، که یکی از آنها در نقش برجسته پرستش مهر (مهر خدای روشنی و دشمن اهریمن)، کشنده گاو نر بوده و اعضای تناسلی گاو را در چنگ خود گرفته و نیش می‌زند (هال، ۱۳۸۳: ۸۳). در متون پهلوی عقرب‌ها در کنار جانورانی کشنده و زهردار و زینبار مانند مار، اژدها و موش جزو نیروهای اهریمن در برابر پدیده‌های اهورایی قرار می‌گرفتند.

۱.۳ نقش اهریمنی عقرب در آیین مهر: آیین مهر در ایران زمین دارای پیشینه‌ای کهن می‌باشد. مهر، خداوند روشنی، جنگجو و قهرمان فتح‌کننده و پیروز، مظهر محبت و دوستی میان بشریت و ایزد شفا دهنده می‌باشد (ورمازون، ۱۳۷۵: ۶). میترا همانند ایزدی است که همراه و دستیار اهورامزدا فرمانروا و حاکم جهان روشنایی است و در کنار مبارزان و جنگجویان خیر و راستی مبارزه می‌کند (همان: ۱۷). یکی از نمادهایی که به همراه میترا مشاهده می‌شود نماد عقرب می‌باشد. در این آئین زمانی‌که میترا متولد می‌شود برای زنده کردن موجودات و جهان و برای سعادت آدمیان با خورشید هم‌پیمان می‌شود. روزی با گرفتن شاخ‌های گاو سوار آن می‌شود، گاو را برای باروری زمین قربانی می‌کند و در این میان عقربی که نماد اهریمن است در زیر شکم گاو قرار گرفته و اعضای تناسلی گاو را نیش می‌زند تا نطفه گاو را که برای باروری زمین است را آورده کند و ماری خون گاو را می‌مکد (صادقی‌نیا و رحمانی، ۱۴۰۰: ۲۱۴) (تصویر ۱). در این مرحله دو تعبیر دیده می‌شود؛ برخی مار و عقرب را نیروهای اهریمنی می‌دانند و برخی این دو را به نماد زمین و تولید نسل بشریت تعبیر می‌کنند که از عناصر نیکی بوده و نماینده انواع حیواناتی می‌باشند که از نطفه گاو قربانی شده به وجود می‌آیند (استخری، ۱۳۸۱: ۱۵۱؛ صادقی‌نیا و رحمانی، ۱۴۰۰: ۲۱۶). از این جهت مسئله دوجویی بودن نماد عقرب مطرح می‌شود.

۲.۳ جیرفت: حوزه فرهنگی هلیل‌رود در اوایل هزاره سوم قبل از میلاد یکی از بزرگترین مراکز صنعتی تجاری شرق باستان بوده و روابط فرهنگی سیاسی آن و تجارت منظم سنگ لاجورد و نیز فرآورده‌های گوناگونی از سنگ‌های صابونی میان پادشاهی‌های شرق و جنوب شرقی ایران و دولت شهرهای سومری به اثبات رسیده‌است (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ۱). این ادعا با یافته‌های باستانی از جیرفت، شهداد، تمپور و ... تأیید شده‌است. آثار به‌دست آمده از جیرفت دارای تنوع بسیار زیادی از نقوش



تصویر ۳. نقش‌مایه عقرب انسان، جیرفت. منبع: همان: (۱۳۵)



تصویر ۲. نقش‌مایه عقرب، جیرفت. منبع: (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۶)



تصویر ۱. نقش برجسته میترا سوار بر گاو همراه نماد عقرب. منبع: (URL)

۴.۳. **شهاداد:** محوطه باستانی دیگری در جنوب شرق ایران که در طی هزاره سوم مسکونی بوده است. یکی از آثار مکشوف از شهر شهاداد یک کوزه قرمز رنگ کروی شکل با دهانه باریک، با تزئینات و نقوش مشک‌رنگ است که بر اطراف این کوزه نقوش ماهی، عقرب و دو حیوان چهارپا تصور شده است (Hakemi, 1997: 577) (تصویر ۹).

۵.۳. **تمدن تل‌باکون و تل‌تیموران:** این دو تمدن پیش از تاریخ در استان فارس واقع شده است. تل‌باکون دارای سفالینه‌هایی با نقوش حیوانی و نباتی طبیعی به قدمت هزاره چهارم ق.م و به صورت نمادین و هندسی و تجریدی می‌باشد و تل‌تیموران که دارای سه طبقه است و نقش‌مایه عقرب در طبقه سوم بر روی یک کوزه سفالی دیده می‌شود تصویر عقرب در میان خطوط موازی افقی بر روی ظرف مشاهده می‌شود (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۴۴). (تصویر ۱۰).

۶.۳. **سیستان و بلوچستان:** ایرانشهر در بلوچستان دارای با ارزش‌ترین و پرتعدادترین آثار باقی‌مانده از دوره پیشاتاریخی است. در هزاره‌های سوم و چهارم پیش از میلاد تمدن‌ها و شهرهای بزرگ در نیمه شرقی فلات ایران قرار داشتند که دارای شرایط مناسب زیستی بودند. در

حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م می‌رسد. جهت حرکت این عقرب‌ها در هر دو ظرف در هر ردیف عکس جهت حرکت این جانور در ردیف بعد است، و عقرب‌ها به صورت منظم و پیوسته به دنبال یکدیگر حکاکی شده‌اند و نوعی حرکت و ریتم را القاء می‌کند. هنرمند در این دوره بر آن بوده تا با بازنمایی و تصور کردن این جانور حتی در جزئیات تا حد ممکن تصویر این جانور را به فرم طبیعی آن شبیه‌تر و نزدیک‌تر نماید (تصاویر ۴-۶).

۳.۳. **شوش:** این شهر یکی از تمدن‌ها و شهرهای مهم و تاریخی خوزستان است که دارای آثار بسیار زیبا و قدیمی مانند سفالینه‌ها و مهرهایی با نقوش استریلیزه و اشکالی ملهم از طبیعت می‌باشد. محتملاً این تصاویر و نقوش ترکیبی الهام گرفته از اصول فلسفی و روحی و مذهبی آن دوران است (آمیبه، ۱۳۴۹: ۱۹-۲۱) (تصویر ۷).

تصویر (۸) اثر باقی‌مانده از یک مهر استوانه‌ای از شوش (۲۴۰۰ ق.م) می‌باشد که در سمت راست این اثر فرشته بالدار به همراه نقش‌مایه عقربی با بال‌تانه انسان در حالتی که زیر بال او را نگه داشته و دستهایی به سمت بالا تصور شده است (همان: ۴۶) (تصویر ۸).



تصاویر ۵-۶. نقش طبیعت‌گرای عقرب. منبع: همان (۱۱۴)



تصویر ۴. نقش طبیعت‌گرای عقرب. منبع: (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۴)



تصویر ۸. مهر استوانه‌ای در شوش و طرح خطی. منبع: (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۲)



تصویر ۷. سفال شوش. منبع: (آمیبه، ۱۳۴۹: ۲۱)



تصویر ۱۰. نقش‌مایه عقرب تمدن تل‌باکون و روی کوزه سفالی تمدن تل‌تیموران. منبع: (واندنبرگ، ۱۳۴۸: لوحه ۵۸)



تصویر ۹. نقوشی از عقرب و ماهی و دو حیوان چهارپا روی بدنه کوزه در شهاداد. منبع: (Hakemi, 1997: 577)



زیادی که از نظر فرمی و سبکی بین این سرگرز و سرگرز شاه‌نارمر وجود دارد به احتمال زیاد این دو شاه با هم در یک دوره زمانی بوده‌اند (Gahlin, 2005: 10). با وجود آسیب‌های بسیار این اثر هنری تصویر عقرب بر روی این سرگرز کاملاً واضح است. این نقش روبه‌روی تصویر فرعون که در حال انجام مراسم مذهبی است حکاکی شده است (تصویر ۱۲). ۲.۴. الهه سرکت: در مصر الهه سرکت (سلکت) عقرب‌خدایی است به شکل زنانه با تاجی از عقرب بر سر و از آغاز دوره سلسله‌ها (دوره پادشاهی قدیم) مورد تکریم و پرستش قرار داشت. این الهه به شکل زنی بود که تاجی از کژدم بر سر داشت و دم آن بالا بود گویی می‌خواست نیش بزند. عقربی که بر روی سر این الهه به کار برده شده است به علت دلایل جادویی و حمایتگری آن معمولاً به صورت کامل تصویر نشده و در اغلب موارد پاها حذف شده و تنها دم عقرب مصور شده است (Wilkinson, 2003: 235). این الهه به مظاهر زمین‌اش قدرت خیرخواهی و شفابخشی داده و آنها ملغب به افسونگران و حمایت‌گران سلکت بودند (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵: ۳۰۱). این الهه به شکل یک مجسمه طلایی ظریف دیده می‌شود که از تابوت قابی شکل فرعون در مقبره توتنخامون در دره پادشاهان (مربوط به سلسله پادشاهی جدید در حدود ۱۳۲۳-۱۳۳۳ ق.م) نگهداری می‌کند و یکی از حافظان و نگهداران جهان فرودین بود در این مورد این الهه به صورت حالتی با دست‌های گشوده ایستاده و گویی مسئول حفاظت و نگهداری چیزی است (تصویر ۱۳).

عنوان این الهه به زبان مصری (سرکت هتیت) به معنای «کسیکه باعث نفس کشیدن می‌شود» است و این معنی جنبه مثبت و شفادهندگی این الهه را با وجود کشنده بودن عقرب نشان می‌دهد. همچنین سرکت

کناره رودخانه بمپور قطعات سفال در رنگ‌های قرمز، خاکستری، آکر و زرد منقوش به تصاویر جانوری بومی از عقرب و مار به وفور موجود بوده است. دامن نیز یکی از روستاهای ایرانشهر است این منطقه برای اولین بار توسط اشتین گزارش شده است (تصویر ۱۱). در کاوش‌های اشتین تعدادی قبر متعلق به دوره پیش از تاریخ و همچنین دوره‌های اسلامی پیدا شده که حاوی مقداری سفال با نقوش هندسی و جانوری است. سفالینه‌های مناطق دیگر مانند نال و حسن پور و بمپور نیز منقوش به نقش مایه‌های عقرب چه به صورت تجریدی و یا طبیعت‌گرا هستند. در ظرف سفالین بمپور که به صورت چرخ‌ساز ساخته شده نقش مایه عقرب به صورت تکرار و با جزئیات واقع‌گرایانه با رنگ سیاه بر روی زمینه نخودی‌رنگ تصویر شده است. نقش مایه عقرب بر روی کوزه سفالین بدست آمده از دامن در کنار مثلث‌های مشکی رنگ توپر و توخالی که احتمالاً نمادی از کوه می‌باشد مصور شده است.

۴. عقرب در آثار باستانی مصر

اعتقاد به زندگی و دنیای پس از مرگ یکی از اعتقادات اصلی و مهم در میان مصریان باستان بوده و به همین علت آرامگاه‌ها و مقابر مصری مملو از نقوش تزئینی و وسایل زینتی است؛ این نقوش نشأت گرفته از نگرش، افسانه‌ها و اسطوره‌های مصری می‌باشد. نقش مایه یا بیکرک‌های عقرب یا عقرب انسان یکی از این کهن‌الگوهای مصری است. همچنین نمود پیدا کردن موجودات در شکل یک الهه یا ایزد در مصر باستان بسیار به چشم می‌خورد.

۴.۱. سرگرز عقرب‌شاه: یکی از سه اثر هنری که در کاوش‌های هیراکونپولیس به دست آمده سرگرز عقرب‌شاه است که مربوط به دوره پیشادودمانی متأخر یعنی قرن سی و یکم ق.م می‌باشد. به دلیل مشابهت‌های



تصویر ۱۲. سرگرز عقرب شاه با نقش مایه عقرب، ۳۱۰۰ ق.م. منبع: (Gahlin, 2005: 10)



نقوش هندسی و جانوری در دامن

نقش مایه عقرب در حسن پور

نقش مایه عقرب در بمپور

تصویر ۱۱. نقش مایه عقرب در سیستان و بلوچستان. منبع: (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۱۱۰)



تصویر ۱۳. الهه سرکت، مقبره توتنخامون، طلا، سلسله پادشاهی جدید، حدود ۱۳۲۳-۱۳۳۳ ق.م. منبع: (Wilkinson, 2003: 235)



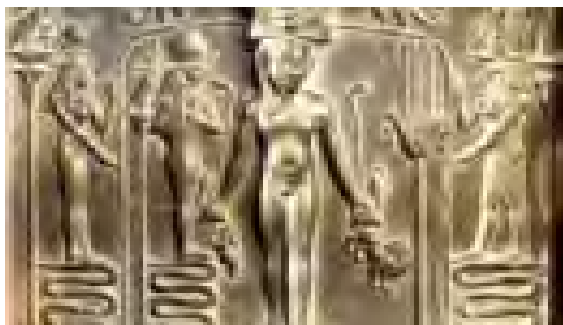
در راه برخورد کردند صحبت نکنند. سرانجام ایزیس به مقصد خود که شهر دو خواهران در دلتای نیل است می‌رسد. در آنجا مورد استقبال صاحبخانه قرار نمی‌گیرند و از آنجا رانده می‌شوند. این موضوع باعث رنجش عقرب‌ها می‌شود و به فکر انتقام از صاحبخانه می‌افتند به همین منظور، شش تا از عقرب‌ها زهر کشنده خود را در نیش عقرب هفتم، تفن، تخلیه می‌کنند و او به خانه زن می‌خزد و پسر او را نیش می‌زند (هارت، ۱۳۷۴: ۵۱). در این میان دختر کشاورز فقیری، منزل ساده خود را در اختیار ایزیس قرار می‌دهد. زن ثروتمند که تاوان برخورد نامهربانانه خود با ایزیس را می‌پردازد پریشان حال به دنبال کمک برای نجات فرزند در حال مرگش می‌گردد و این درحالیست که هیچ کس به درخواست‌های او پاسخ نمی‌دهد. اما ایزیس که از دیدگاه مصریان نمونه والای یک مادری فداکار و شفابخش است مانع مرگ یک کودک معصوم می‌شود، و بچه را در آغوش گرفته و جملاتی با قدرت جادویی بر او می‌خواند. با آوردن نام هر کدام از عقرب‌ها، بر آنها تسلط می‌یابد، و زهر مشترک آنها را بر کودک بی‌اثر می‌کند. در طول زمان، واژگان جادویی او برای درمان هر عقرب‌گزیدگی مؤثر بوده و به کار گرفته می‌شود (همان: ۵۲). در این افسانه نیز همانند روایات اساطیری دیگر تلاش برای زندگی در گریز از مرگ به وضوح دیده می‌شود. کودکی معصوم یا نوجوانی نابالغ، با بدنی آسیب‌پذیر که محکوم به مرگ شده توسط موجودی که در اکثر مواقع کشنده و خوفناک است نجات می‌یابد.

۴.۴. افسانه هوروس و عقرب: اگرچه جادو و اوراد ایزیس در از بین بردن سم این هفت عقرب مؤثر بود؛ اما وی قدرت و توان درمان فرزند خود هوروس کوچک را نداشته‌است. هنگامی که ایزیس هوروس را در باتلاق نیل مخفی کرد تا به یافتن غذا برود در بازگشت فرزند خود را با نیش عقرب گزیده‌شده پیدا می‌کند، فریاد و شیون‌های او به گوش رع خدای خورشید می‌رسد، به این علت رع قایق خورشیدی خود را متوقف می‌کند و زمین در تاریکی فرو می‌رود. توت، ایزد خرد قایق را ترک کرده و ورد و جادویی را برای نجات هوروس کودک می‌خواند و تهدید می‌کند مادامیکه سم از بدن کودک کوچک خارج نشده زمین در تاریکی باقی می‌ماند. بعد از شفای کودک که به قایق رع دوباره بازمی‌گردد. این افسانه بر روی ستون سنگی یادبود مترنخ قابل مشاهده‌است. این ستون که شبیه به یک سنگ قبر است، نقش برجسته هوروس را در مرکز ستون به صورت کودک نشان داده که بر روی تمساح ایستاده و عقرب، مار

نقش الهه مادر را نیز به عهده داشت و «سرکت بزرگ، مادر الهی» لقب گرفته بود. از جنبه تاریخی در زمان خلقت متون حرمی بیان می‌شد که سرکت پرستار و حافظ پادشاه است (همان: ۲۳۴). این الهه زمانیکه خدای کوچک هوروس کوچک به عقرب یا مارگزیدگی دچار شد به ایزیس مادر در نجات و حفاظت او کمک کرده‌است. در این افسانه سرکت به شکل هفت عقرب متجلی می‌شود. مار و عقرب موجوداتی که در بیابانها و سرزمین‌های دورافتاده و خشک زندگی می‌کنند و می‌توان آن را به‌عنوان نمادی متناسب برای حضور و ظهور این الهه در مصر دانست (همان: ۲۲۴). مصریان باستان معتقد بودند که تعویذ و نشان کژدم فرد را از نیش کشنده محافظت می‌کند (همان: ۸۲). تصویر این الهه در دوره‌های بعد به شکل زنی را با بدن عقرب دیده می‌شود که دارای کلاه‌های شاخدار به همراه قرص خورشید بر روی سرش است که نمایش‌دهنده سرکت با ویژگی‌ها و خصوصیات ایزیس، یا ایزیس در فرم عقرب و با همراهی این دو الهه با هم باشد (تصویر ۱۴).

همچنین این الهه سمبل نگهبان و جانور خاص محافظ ایزیس در اسطوره مصر است. ایزیس الهه مصر (دارای قدرت جادویی) که مادر هوروس نیز هست محافظانی متشکل از هفت عقرب با نام‌های پتت، تجت، ماتت، مسه‌تت، مسه‌ته‌تف، تفن و بفن (که تجلی سرکت هستند) دارد که همیشه تحت فرمان و حمایت او هستند. آتش، اهانت، بدجنسی، پیوند زناشویی، تحقیر، خیانت و مرگ، عذاب، موزیگری، ناسازگاری و علامت دژخیم و جلاد از معانی سمبلیک عقرب هستند (جانبازی، ۱۳۹۱: ۱۷).

۳.۴. افسانه ایزیس (الهه مصر) و هفت عقرب: این اسطوره پادشاهی قدرت جادویی ایزیس را در درمان گزیدگی‌های زهرآلود نشان می‌دهد. در ابتدا توت ایزد خرد و کتابت به ایزیس سفارش می‌کند که کودکش هوروس را برای محافظت از آسیب عمویش، سث (ایزد آشوب و بدی) پنهان کند. ایزیس به همراهی هفت عقرب، شامگهان راهی سفر می‌شود. (در جادوهای مصری عدد هفت مقدس است. به‌عنوان مثال، برای درمان سردردها یا مشکلات پس از زایمان، زدن هفت گره توصیه می‌شود). سه عقرب به نام‌های پتت، تجت و ماتت پیشاپیش ایزیس حرکت کرده تا امنیت راه را تضمین کنند. دو عقرب دیگر به نام‌های مسه‌تت و مسه‌ته‌تف زیر تخت روان از او محافظت می‌کنند، و دو عقرب باقیمانده به نام‌های تفن و بفن از پشت سر او را حرکت می‌کنند. ایزیس به عقرب‌ها هشدار می‌دهد که کاملاً مراقب باشند. حتی به آنها اندرز می‌دهد که با هر کس



تصویر ۱۵. ستون یادبود مترنخ، حدود ۳۳۲ ق.م. نقش طبیعت‌گرای عقرب.
منبع: (Barnett, 1999: 64)



تصویر ۱۴. الهه سلیکت با تاج شاخدار و قرص خورشید، هنر مصر باستان.
منبع: (Gahlin, 2005: 62)



پرستش سرکت در دودمان نخست شکل می‌گیرد وی در نقوش به صورت تنها و یا همراه با دیگر الهه‌ها ظاهر می‌شود و محافظ پادشاه متوفی است. اهمیت او به‌عنوان خدای حمایتگر در متون آشکار می‌شود که پادشاه مدعی است؛ که مادر من ایزیس، پرستار من نفتیس و سرکت در جلو من هستند (همان: ۲۳۳). او و ایزیس و نفتیس غالباً با هم به تصویر درمی‌آیند (تصویر ۱۶). نقش تدفینی وی در درجه نخست اهمیت داشت و گهگاه بانو و ایزد خانه زیبا نامیده می‌شد که اشاره به اتاق و مقبره مومیایی‌ها دارد.

۵. تحلیل یافته‌ها

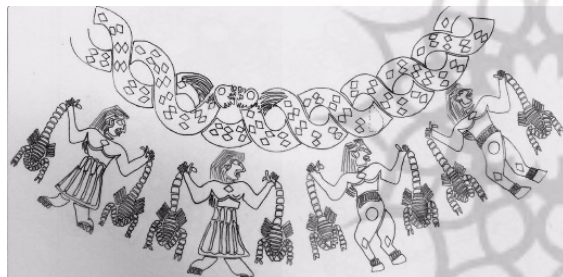
۵.۱. بررسی تطبیقی نماد عقرب در تمدن‌های باستانی ایران و مصر

در بررسی نمونه‌هایی از آثار باستانی تمدن‌های ایران و مصر به مواردی برمی‌خوریم با موضوع کنشگری انسان در مقابل عقرب یا عقرب انسان، در حالتی که انسان یا انسان شیر (که نمادی از قدرت و شجاعت و پادشاهی است) و یا انسان گاو (که نمادی از برکت و سودمندبودن است)، این موجود را تحت کنترل خود درآورده است و بر آن پیروز شده‌است.

و دیگر جانوران موذی خطرناک را در دست فشرده‌است (تصویر ۱۵). بدیهی است که این گونه سنگ یادبودها جنبه و کاربرد آئینی داشته‌اند. این افسانه در مراسم مذهبی و آئینی دفع سم استفاده می‌شد به همین علت که ایزیس در جادو و درمان موفق بود تصور می‌شد هرکس که دچار گزش شده به همین روش درمان می‌شود (Gahlin, 2005: 75) و با استفاده از این نوع جادو و طلسم از عقرب گزیدگی نجات می‌یابد.



تصویر ۱۶. از راست الهه ایزیس، الهه سرکت، الهه مات، بزرگنمایی نقش عقرب. منبع: (URL2)



طرح خطی تصویر ۱۷



تصویر ۱۷. ظرف استوانه‌ای، جیرفت. منبع: (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ۴۲)



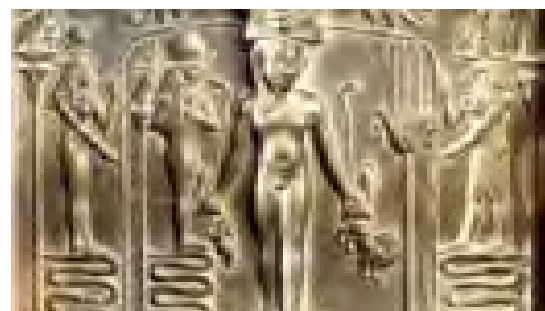
طرح خطی تصویر ۱۸. منبع: (همان: ۱۵)



تصویر ۱۸. ظرف استوانه‌ای جیرفت، انسانی با بدن شیر در حال غلبه بر انسان عقرب. منبع: (مجیدزاده، ۱۳۸۳: ۱۷)



طرح خطی تصویر ۱۹



تصویر ۱۹. هوروس و عقرب، مصر. منبع: (Barnet, 1999: 64)

جدول ۱. بررسی تطبیقی نماد عقرب در چند نمونه از آثار باستانی ایران و مصر.

منبع	بازنمایی هنری	سبک	کاربرد	ترسیم خطی	جنس	قدمت	گونه	عکس	
موزه باستانی جیرفت	عقرب	طبیعتگرا	کاربردی		سنگ صابون	۲۰۰۰-۳۰۰۰ ق.م	ظرف استوانه‌ای		ایران
موزه هنری کرمان	عقرب انسان	ترکیبی	آئینی		سنگ صابون	۲۰۰۰-۳۰۰۰ ق.م	پیکره		
مجیدزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۶	عقرب انسان	ترکیبی	کاربردی		سنگ صابون	۲۰۰۰-۳۰۰۰ ق.م	وزنه		
Gahlin, 2005: 10	عقرب	طبیعتگرا	آئینی مذهبی			۳۱۰۰ ق.م	سرگرز		مصر
Wilkinson, 2003: 233 (URL3)	عقرب	تجریدی	آئینی تدفینی		نقاشی روی دیوار	-	نقاشی		
Gahlin, 2005: 62	عقرب انسان	ترکیبی	آئینی		سنگ	-	پیکره		
Barnet, 1999: 64	عقرب	طبیعتگرا	آئینی		سنگ	حدود ۳۳۲ ق.م	نقش برجسته		

اهریمنی عقرب و مار به نمایش کشیده شده و به احتمال زیاد پیروزی بر عقرب، مار و دیگر حیوانات در این آثار نمادی از پیروزی و تحقیر موزیگری و توانمندی و غلبه هوروس می‌باشد. به‌طور کلی مرادفات تجاری و تعاملات تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در دوران باستان به نوعی در ایجاد کهن‌الگوهای مشترک و یا نمادهایی با مضامین تقریباً یکسان موثر بوده‌است. در این نمونه‌های ذکر شده از این دو تمدن باستانی به‌وضوح شاهد پیروزی و غلبه انسان بر این موجود اهریمنی هستیم. در بررسی تطبیقی و تحلیل نماد و کهن‌الگوی عقرب در تمدن‌های باستانی ایران و مصر که بر روی آثار و ظروف مکشوف از این دو تمدن انجام شد موارد ذیل قابل توجه می‌باشد.

در برخی از این تصاویر با قرار گرفتن سر موجود (عقرب) به طرف پایین معنای پیروزی و غلبه بر نیروهای اهریمنی و شرور به نمایش گذاشته شده‌است. به‌عنوان مثال در تمدن ایران، دو ظرف استوانه‌ای از جنس سنگ صابون (تصویرهای ۱۷-۱۸) کشف شده‌است که نقش مایه انسان به تنهایی یا انسان گاو یا انسان شیر در حال مغلوب کردن عقرب‌ها به‌تصویر کشیده شده‌است. ژان پرو اعتقاد دارد که در این موارد قدرتی برتر و بیشتر از قدرت یک انسان معمولی دیده می‌شود که خود را به صورت انسان حیوان نشان داده‌است و نمونه مشابه این تصویرگری و روایتگری در تمدن باستانی مصر در نقش برجسته هوروس و عقرب مشاهده می‌شود (تصویر ۱۹) که در آن هوروس کودک در حال شکار و غلبه بر نیروهای



نماد در دوران ایران باستان نیز به مقادیر زیاد در نقاط مختلف ایران به چشم می‌خورد در ابتدا این نقوش به صورت انتزاعی بر روی ظروف روزمره به عنوان نقش مایه‌های تزئینی به کار برده می‌شد. در دوران بعد و با گذر زمان این نقش مایه از حالت انتزاعی و مجرد خود بیرون آمد و به شکلی طبیعت‌گرایانه و ترکیبی از عقرب انسان پدیدار شد و علاوه بر تزئینات ظروف در مهرهای استوانه‌ای، بافتهای قبور و مزارها نیز کاربرد داشت که این امر مبین تغییر نوع کاربری آن از حالت روزمره به حالت آئینی است. همچنین از آثار و نمونه‌های باقی‌مانده از هر دو تمدن باستانی ایران و مصر این نتیجه حاصل می‌شود که انسان آن زمان با به تصویر کشیدن پیروزی انسان بر حیوانات مودی و رعب‌آور به نوعی سلطه و غلبه بر این موجودات را در دنیای واقعی به نمایش می‌گذاشتند. در این دو تمدن با تکرار نقش مایه عقرب بر روی ظروف و همچنین به صورت تک‌پیکره در ابعاد بزرگ و در بعضی موارد در تلفیق با انسان به جنبه اسطوره‌ای این موجود تأکید شده‌است و در نهایت به نظر می‌رسد نماد عقرب یا نقش مایه عقرب انسان در هر دو تمدن باستانی علاوه بر مفهوم اساطیری مفهومی ماورائی دارد و با آئین‌ها و مراسم مذهبی و اعتقادات و باورهای مرتبط با جهان فرودین و پس از مرگ در ارتباط بوده‌است. نکته قابل توجه در مورد تمدن باستانی مصر این است که از آنجا که مصریان به مرگ و حیات بعد از مرگ دید مثبت داشته و این مسئله مورد توجه آنها بود به حیوانات مربوط به آن نیز مانند عقرب و مار نیز اهمیت ویژه‌ای می‌دادند تا آنجا که برای این موجود در مقام یک الهه نیز اهمیت قائل می‌شدند. این مورد در ایران باستان تقریباً حالتی مخالف دارد، و بیشتر از نظر تزئینی و محافظتی مورد توجه بوده که در برخی از آنها حالت خصمانه و ستیزگرایانه به خود می‌گیرد تا حدی که داستان‌ها و روایات مربوط به غلبه انسان بر عقرب را به صورت نقش مایه‌هایی ترسیم می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Semiology.

۲. Serket Hetyt از نام این الهه در بسیاری از اوراد و طلسم‌ها استفاده می‌شد و پیروان او را خرپساکت می‌نامیدند.

فهرست منابع فارسی

- آلستون، ویلیام پی (۱۲۸۱) *فلسفه زیان*، ترجمه احمد ایرانمنش و احمد رضا جلیلی، تهران: دفتر نشر پژوهش سهروردی، چاپ اول.
- آمی، پیر (۱۳۴۹)، *تاریخ عیلام*، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- استخری، پروین (۱۳۸۱)، *میترائیسم، نامه انجمن*، شماره ۷، ۱۵۰-۱۶۰.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/107260>
- افضل طوسی، غفت‌السادات (۱۳۹۳)، *طبیعت در هنر باستان*، تهران: انتشارات مرکب سپید و دانشگاه الزهراء.
- پردا، ادیت (۱۳۸۶)، *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پرو، ژان (۱۳۸۶)، *نگاهی به نقوش بازمانده از جیرفت*، ترجمه زهرا نوایی، تهران: نشر آئینه خیال، فرهنگستان هنر.
- جانبازی، فاطمه (۱۳۹۱)، *نقش مایه عقرب در آثار تمدن‌های پیش از تاریخ*، فصلنامه *جلوه هنر*، (۴)، ۱۵-۳۰.

از نظر نمادشناسی، نماد عقرب در دو تمدن باستانی ایران و مصر بیان‌کننده و نشان‌دهنده مفاهیمی چون خشم، جنگجویی، محافظت و نگهداری دروازه‌ها و جهان زیرین در مقابل بدی‌ها و زیان ناشی از نیروهای اهریمنی و پیروزی و غلبه بر آنان است. در هر دو تمدن باستانی ایران و مصر شاهد حضور آثاری هستیم که پیروزی آدمی بر موجودات ترکیبی عقرب انسان و یا عقرب به تنهایی را به نمایش گذاشته‌است.

از نظر قدمت استفاده از نقش مایه عقرب در تمدن‌های باستانی ایران و مصر دارای پیشینه کهن و قدیمی می‌باشد. در تمدن ایران باستان کهن‌ترین مورد مربوط به ۳۵۰۰-۴۵۰۰ قبل از میلاد به صورت نقوش تجریدی بر روی ظروف سفالی در تل‌باکون می‌باشد. در تمدن مصر باستان کهن‌ترین نمونه استفاده از عقرب نیز مربوط به دوره پیشادودمانی است. این نقش کهن بر روی ابزاری به نام سرگزوی متعلق به پادشاهی به نام عقرب شاه و به صورت حکاکی شده می‌باشد.

در ایران باستان نقش مایه عقرب بیشتر به صورت نقوش تزئینی کنده‌کاری یا نقاشی بر روی ظروف و گاه به صورت پیکره‌ها مورد استفاده بوده ولی در مصر باستان بیشتر به حالت پیکره یا الهه نگهبان و گاه تزئینات اتاق‌های تدفین استفاده می‌شده‌است.

در ایران باستان نقش مایه عقرب در ابتدا بیشتر از جنبه تزئینی بر روی ظروف مورد استفاده بوده‌است و در دوره‌های بعد به تدریج حالت کاربردی در مهرها و قبور را در زندگی انسان را پیدا کرده‌است، در حالیکه این نماد و نقش مایه در مصر باستان بیشتر از نظر آئینی و مذهبی در نقش یک نگهبان یا الهه و در مواردی از نظر جادو و طلسم مورد استفاده بوده‌است.

از نظر سبک استفاده شده در این نماد و نقش مایه در هر دو تمدن شاهد نقوش تجریدی و انتزاعی و یا حالت ترکیبی انسان عقرب و یا حالت طبیعت‌گرا را شاهد هستیم.

در ایران باستان به علت وفور سنگ صابون در محیط اطراف جنس بیشتر ظروف و پیکره‌ها از این ماده بوده در حالیکه در مصر باستان در مواردی از طلا و در موارد دیگر از سنگ استفاده شده‌است.

با توجه به نزدیکی مفهومی و شکل کاربرد آئینی و مذهبی این نقش مایه در این دو تمدن باستانی این برداشت حاصل می‌شود که ارتباطات و تعاملات مستقیم و غیرمستقیم سیاسی، فرهنگی و همچنین اقتصادی تأثیرگذاری بسیاری در شباهت استفاده از این نقش مایه داشته‌است.

نتیجه‌گیری

مردم باستان در دنیایی زندگی می‌کردند که مسائل و موضوعات ناشناخته و مبهم بسیاری پیرامون آنها را در بر گرفته بود. به این دلیل برای پاسخگویی و توجیه این مسائل پیچیده و ناشناخته، وقایع و رویدادهای اطراف و پیرامون خود را به شیوه‌های مختلف در زندگی روزمره خود بازتاب می‌دادند. به عنوان مثال نماد عقرب یا نقش مایه عقرب انسان در دوران مصر باستان در افسانه‌سرای‌ها و داستان‌ها و طلسم‌ها گرفته تا حالتی مذهبی و آئینی به عنوان یک الهه که مورد احترام و پرستش است و همچنین به عنوان نگهبانی برای مقابر و اهرام در نظر گرفته می‌شد. این



هال، جیمز (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران: انتشارات جامی.

فهرست منابع لاتین

Barnett, Mary. (1999) *Gods and Myths of ancient Egypt*, Singapore, Grange books.

Gahlin, Lucia. (2005) *Egypt: Gods, Myths and Religion*, London, Hermes House.

Goblet d'Alviella, Eugene. (1894), *The migration of symbols*. London, A. Constable and Co.

Hakemi, Ali. (1997), shahdad Archaeological Excavations of a Bronze Age center in Iran. Translated and edited by: s. m. s sajjadi. Published for ISMEO by Oxford and IBH publishing.

Wilkinson, Richard H. (2003), *The Complete Gods and Goddesses of Ancient Egypt*, London, Thames and Hudson.

فهرست منابع الکترونیکی

URL1: https://www.pinterest.com/pin/753227106422427032/feedback/?invite_code=7652654df9f045998a0fc92aff95f32d&sender_id=581879351763835176 (access date: 2022/7/7).

URL2: https://www.pinterest.com/pin/49821139617424069/feedback/?invite_code=d38ab5125ddc4e51809f2063e9566032&sender_id=581879351763835176 (access date: 2022/7/8).

URL3: <https://storage1.torob.com/backend-api/base/image/s/GQhW/GQhW03kzPjW3AjFI.jpg> (access date: 2022/7/8).

DOI: 10.22051/JJH.2012.5

دادور، ابوالقاسم؛ مبینی، مهتاب (۱۳۸۸)، جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.

ستاری، جلال (۱۳۸۰)، اسطوره و حماسه در اندیشه ژرژ دومزیل، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر آگاه.

شوالیه، ژان؛ گربران، آئن (۱۳۸۵)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، ج ۴، تهران: انتشارات چیهون.

صادق‌نیا، سارا؛ رحمانی، نجیبه (۱۴۰۰)، آیکونوگرافی نماد عقرب در آثار تمدن جیرفت، نشریه مطالعات ایرانی، ۲۰ (۴۰)، ۲۰۵-۲۳۱.

DOI: 10.22103/JIS.2021.17722.2183

طاهری، صدرالدین (۱۳۹۶)، نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار، تهران: نشر شورا آفرین.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۷۹)، سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران: انتشارات ققنوس.

ماتیوز، راجر (۱۳۹۱)، باستان‌شناسی بین‌النهرین: نظریات و رهیافت‌ها، ترجمه بهرام آجرلو، تبریز: انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۳)، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۶)، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

واندنبرگ، لویی (۱۳۴۸)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ورمازون، مارتین (۱۳۹۰)، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده، چ. هشتم، تهران: نشر چشمه.

هارت، جرج (۱۳۹۱)، اسطوره‌های مصری، ترجمه عباس مخیر، تهران: نشر مرکز.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی